

عدم حجیت کشف و خواب

سخنران:

دکتر وحید باقر پور کاشانی

هم چنان که خواب حجیت ندارد، کشف هم حجیت ندارد؛ البته برای غیر معصوم، برای کسی که نمی‌تونه میزبان این خواب، خوابِ رحمانیه یا شیطانی یا اضغاث احلامه. نمی‌تونه؛ اما برای یک نفری که به مانند معصوم باشه، حجت الهی باشه خب این تشخیص می‌ده که این خواب، خوابِ رحمانی هست یا خیر. در خصوص حضرت ابراهیم که در عالم خواب دستور داده می‌شه به ذبح حضرت اسماعیل، خب گاهی اوقات استشهاد می‌کنند به این مسئله‌ای که در قرآن هست، تفسیرش هم در روایات، می‌گن خب چطور می‌گید شما خواب حجیت ندارد؟ بر اساس یک خواب، یک پیامبر خدا ترتیب اثر داد اون هم نسبت به سنگین‌ترین کار که فرزند خودش، عزیز خودش رو بخواد ذبح بکنه؛ این جا گفته می‌شه بله، نسبت به کسی که بفهمه که این از ناحیه‌ی خداست. اما ما راهی برای رحمانی و شیطانی بودن خواب نداریم؛ لذا برای غیر معصوم حجیتی نیست. هم چنان که در خصوص خواب این طوری، در خصوص کشف هم همین طوری. حالا گاهی اوقات گفته شده کشف یک حالتی بین خواب و بیداری که چیزهایی روی بینه، صوری رو مشاهده می‌کنه، حقایق و معانی در ارتباط با این قرار می‌گیره که او می‌بینه، بقیه نمی‌بینن؛ یعنی ممکنه که یک کشفی باشه که در یک اتاقی باشه او ببینه ده نفر دیگه در اتاق باشن اساساً این کشف رو ندیدن باشن!

خب ایشان می فرماید که مکاشفات، می بینیم که يك دست نیست! بین مکاشفات اختلاف هست. هم چنان که بین خواب‌ها در ارائه‌ی حق اختلاف هست و در حق اختلافی نیست! و چون اختلاف نمی‌تونیم بگیریم که هر دو کشف رحمانی هستند پس نیاز مند به يك چیز دیگه‌ای داره که نشون بده که حداقل این يك سری از مکاشفات، این هاشیطانی هست، رحمانی نیست! یا قسمتی از مکاشفات و خواب‌های می‌بینیم که این‌ها صراحت داره با عقل بین مثل پلور الیزم دینی که قائل ان که باکشف، رسیدن متصوفه به اون که الطَّرُقُ إِلَى اللَّهِ بِعَدَدِ أَنْفَاسِ الْخَلَائِقِ... جمله‌ی متصوفه که گفته می‌شه راه‌های رسیدن به خدا به تعداد راه‌های خلائق هست یعنی هرکسی به هر راهی می‌تونه به خداوند برسه، می‌گه خب! شما می‌بینیم که به مانند مکاشفاتی که مسیحیت داشته و دین مسیحیت قائل که پیامبر خاتم اون‌ها عیسی بن مریم! کما این که قائل به این هست که عیسی خداست بر مبنای تثلیث. خب همین جریان رو که می‌بینید در مورد اسلام می‌بینیم که پیامبر خاتم رو وجود نازنین حضرت محمد صل الله علیه و آله وسلم مطرح می‌کنند و خب این‌ها اگر بنا باشه پلور الیزم دینی، صلح کل این‌ها درست باشه خب هر دو باید به يك حقیقت رسیده باشن. این دو حقیقت که مقابل هم هست! به اعتباری ضد هم هست، به اعتباری نقیض هم هست.

به اعتبار این که ضد هم هست که پیامبر خاتم، عیسی باشد؛ پیامبر خاتم وجود نازنین حضرت محمد باشد؛ خب این ها ضد هم نیستند. به اعتباری نقیض هم باشند، یعنی پیامبر اسلام هم پیامبر خاتم باید باشد هم نباشد؛ حضرت عیسی هم پیامبر خاتم باید باشد هم نباشد؛ خب این می بینیم که ضد عقل و خب این پلورالیزم دینی، صلح کل در پرتو کشف به دست آمد. یا ما بینیم که مکاشفاتی هست که بانصوص دینی ناسازگار؛ تأویلاتی از آیات کردند که با محکمات آیات قرآن و روایات حضرات معصومین علیهم السلام در تعارض؛ خب این جا باید چکار بکنیم؟ مکاشفاتی که با هم دیگر مخالف دارد؛ یک نفر در کشفی می بیند که آقا امیر المؤمنین به عنوان شخصیت اول بعد از نبی اکرم و نیکو آسمان و زمین... یک نفر هم می بیند که دو خلیفه، سه خلیفه اول جایگاهشون از امیر المؤمنین، علی علیه السلام بالاتر؛ این ها که عرض می کنم در کتب خودشون ذکر شده؛ در کتابها، ادعاهایی که نسبت به کشف شدن، یک کشفی دیدیم، دیدیم که مثلاً خلیفه اول و خلیفه دوم از علی بن ابی طالب بالاتر؛ یک نفر هم کشفی دارد که می بیند آقا امیر المؤمنین بعد از نبی که هیچ موجودی به گرد ایشان نمی رسد به تعبیری. بین این ها کدام یکی درسته؟ هر دو تا هم کشف؛ و نکته ی بعدی ممکنه که اساساً کشف نباشد و گمان کنه فرد؛ به زعم خودش کشف پنداره؛

مثل تلقیناتی که فرد داشته یا به تعبیری غلیظِ اون بیماری مایخولیایی فشارهای مغزی هست که به تعبیری تجسم بین اوهام و تخیلات، یعنی این مسائل ذهنی و فشارهای روحی و اختلالات هایی که در ارتباط با دماغ انسان صورت می‌گیره، به این صورت هست که در مقابل شیئی ای روی بینه در مقابل خودش اما واقعا چنین چیزی نیست؛ و اون فکرمی کنه که این مکاشفه‌ای بوده یک حقیقتی رو داره رؤیت می‌کنه؛ در صورتی که این تجسم اوهام و تخیلات و این در علم روان‌شناسی و روان‌پزشکی از مسلمات هست که چنین حالت هایی به وجود میاد. تلقینات، فشارها، چنین حالت هایی رو به وجود میاره؛ خب این چه جوری بتونه تشخیص بد با توجه به ریاضت‌های شاقه‌ای که بعضی از متصوفه تحمل می‌کردند و فشارهایی به بدنشون وارد می‌کردند. خب پس این هانشون می‌ده که کشف نمی‌تونه حجت باشه؛ به خاطر این که ما معصوم نیستیم و نمی‌تونیم تشخیص بدیم کشفِ رحمانی و شیطانی. گیرمم کشفی باشه که تعارض بانصوص دینی نداشته باشه؛ کشفی باشه که ضد عقل هم نباشه؛ گیرمم چنین کشفی باشه باز می‌تونیم بگیم این کشفِ رحمانی؟

از باب تایید حکم عقل و حکم وحی می‌تونیم بگیم این امر تاییدی. اما آیا حکم
می‌تونیم بدیم که آقا صد در صد این کشف، کشفِ رحمانی، خیر! به خاطر این که یه
مواردی بوده که شیطان برای این که اعتماد سالک رو به خودش جلب بکنه
ابتدا مسائل درست رو بهش القای کرده و مطالب درست رو بهش نشون می‌داده
که این اعتمادش بهش جلب بشه، سرسپردگی داشته باشه. کمر به کمر که جلوی ره
بعد کمر که ازش چیزهای نادرست می‌خواسته؛ مطالب نادرست بهش القای کرده؛
پس گاهی اوقات از باب دانه‌پاشی که یه پرندای رویک نفر بخواد بگیره اول
دانه می‌ریزه؛ این پرندای که این چقدر... بله؛ میاد جلو، می‌گه دانه چیز خوبییه؛
میاد بعد می‌بینه در مشتِ طرف قرار می‌گیره؛ شیطان جمعاً رو این گونه به انحراف
واعوجاج می‌کشه. لذا حتی همون‌هایی هم که هست مادلیل نداریم برای این که
بگیم این کشف، کشفِ رحمانی هست. می‌گیم مطلب، مطلب نادرستی نیست.
پس اون چیزی که حجیت برای ماداره، قرآن و روایات و عقل...